

مادرم معلم من است

گفت و گو با مهسا هاشمی، بازیگر جوان



● وقتی می خواهی نقش متفاوتی بازی کنی چه چیزی کمک می کند تا موفق شوی؟

وقتی فیلم نامه ای را می خوانم دیگر مهسا را فراموش می کنم. فکر می کنم الان من تبدیل شده ام به شخصیتی که در فیلم دارم. البته به کارگردان هم بستگی دارد که چه طور صحنه را برایت توضیح دهد و چه طور از تو بخواهد که بازی کنی.

● شده است که بخواهی در فیلمی بازی کنی، اما خانواده مخالفت کنند؟

بله. برای ماه رمضان سال قبل می خواستم در سریالی بازی کنم، مادرم اصلاً موافق نبود، چون موقع امتحان های خرداد بود. ولی من دوست داشتم این نقش را بازی کنم، چون نقش متفاوتی داشتم. بالاخره هم مادرم را راضی کردم. معمولاً می دانم باید چه کار کنم.

● پس همیشه خودت نقش هایت را انتخاب می کنی؟

نه خب، کوچک تر که بودم خیلی تشخیص نمی دادم که چه نقشی را می توانم بازی کنم. به خاطر همین مادرم فیلم نامه ای را که برای من مناسب بود، انتخاب می کرد و من بازی می کردم. الان دیگر دو سه سالی است که خودم این کار را می کنم.

● یکی از کارهای سخت بازیگری گریه کردن است؟ درست است؟

خب بله، ولی اگر همان اول خودت را جای نقشت قرار بدهی و فکر کنی این من هستم که این اتفاقات را تجربه می کنم، حتماً خیلی راحت گریه می کنی.

● دوست داری خودت فیلم ساز شوی؟ البته، خیلی دوست داشتم سال قبل فیلم کوتاهی بسازم و به جشنواره رشد برسانم که

شاید شما هم دلتان می خواهد روزی بازیگر شوید و نقش های متفاوتی را بازی کنید؛ نقش آدم های بد، نقش آدم های خوب. گریه کنید و بخندید. لباس های کهنه و پاره بپوشید و لباس های نو و زیبا و ... ما به درخواست شما بازیگر هم سن و سال خودتان را به دفتر مجله دعوت کردیم تا با هم سفری به دنیای پر از نقش بازیگری داشته باشیم. مهسا هاشمی دانش آموز سال اول دبیرستان است. از پنج سالگی بازیگری را در یک تیزر تبلیغاتی شروع کرد. و بعد از تنها یک بازی توانست به سینما راه پیدا کند. او اولین کارش را با بازی در فیلم «بهار قبل و بعد» شروع کرد و تا به حال در حدود ۳۰ فیلم و سریال بازی داشته است. فیلم سینمایی «خیابان بیست و چهارم» و سریال «وضعیت سفید»، سریال تاریخی «سرزمین کهن» (که هنوز پخش نشده است)، بعضی از این آثار هستند.

دیگر هم کار کنی؟

اصغر فرهادی، مازیار میری و مهران مدیری.

● با مهران مدیری، پس اهل طنز هم هستی؟

بله، فکر می کنم. من در فیلم های طنز بازی کرده ام، اما هیچ وقت نقش من طنز نبوده است. دوست دارم آن را هم تجربه کنم. البته طنز برای گروه سنی نوجوان خیلی کم رنگ است، ولی خب برای بزرگسالان فرق می کند.

● بازی کدام بازیگر نوجوان را دوست داری؟

همه خوب هستند، ولی من بازی علی شادمان را خیلی دوست دارم. من با علی شادمان در سریال سرزمین کهن هم بازی بودم و او را تحسین می کنم.

● نقش هایت را چه طور انتخاب می کنی؟

اول فیلم نامه را می خوانم. اگر دیدم نقشم را دوست دارم و توانایی اش را هم دارم، نقش را قبول می کنم. سعی می کنم نقش هایی متفاوتی را قبول کنم تا تجربه جدیدی به دست بیاورم. خودم را محدود نمی دانم که همیشه یک نقش آرام را بازی کنم. دوست دارم همه نقش ها را تجربه کنم.

● تو از پنج سالگی بازیگری را شروع کردی. توی آن سن و سال بازیگری برایت سخت نبود؟

نه تا قبل از اینکه مدرسه بروم. ولی وقتی رفتم مدرسه، وضعیت فرق کرد. چون شرایط درس خواندن برای همه بچه ها یکسان است. من هم باید درس بخوانم و امتحان بدهم و هم باید برای تمرین و ضبط فیلم بروم. حتی بعضی وقت ها ممکن است نتوانم مدرسه هم بروم.

● با کدام کارگردان ها تا به حال کار کردی؟

آقایان حمید نعمت اله، سعید اسدی، کمال تبریزی، صادق کرمان، ...

● با کمال تبریزی هم کار کرده ای؟!

بله. خب من خیلی دوست داشتم که با ایشان کار کنم. یک روز دستیار آقای تبریزی برای بازی در یک سریال به من زنگ زدند. آن ها ابتدا از من تست گرفتند. وقتی من برای تست نقشم رفتم، حدود ۳۰۰ دختر آنجا بودند که همگی برای تست بازیگری در آن سریال آمده بودند. از بین آن همه فقط پنج نفر انتخاب شدند که یکی از آن ها من بودم.

● دوست داری با کدام کارگردان های

مریم سعیدخواه عکس: حسام قلعه اسدی



مادرش تقدیم می‌کند. مدرم بهترین معلم من است.

● **قبل از حرف آخر، چه صحبتی با هم‌سن‌وسال‌های خودت داری؟**

اول باید بدانیم شرایطی را که داریم و در آن زندگی می‌کنیم هدیه‌ای از طرف خدا است. پس همیشه بدانیم آن چیزی که هستیم خیلی خوب است و باید برای بهتر شدن تلاش کرد. و در هر شرایطی خدا را داریم پس بگو خدایا به خودت توکل می‌کنم و قدم در راه‌های بزرگ بگذار.

● **و حرف آخر؟**

از تمام کسانی که توی این راه به من کمک کرده‌اند تشکر می‌کنم. همین‌طور از معلم‌ها و مدیر مدرسه‌مان خانم فاطمی و دوست‌های خوبم؛ پگاه یارمحمدی، معصومه پندی، ملیکا قریشی و زهره امیری.

رسیدن به آن تلاش کنند و شاید با خیلی تلاش به نصف آنچه که می‌خواهند برسند. ولی همه آدم‌های بزرگ پشتکار دارند و مقصدهای بزرگ.

● **مقصد تو کجاست؟**

همه فکر می‌کنند من چون بازیگر هستم باید بازیگر هم بمانم و رشته بازیگری را ادامه بدهم. ولی من اصلاً چنین تصمیمی ندارم. نه اینکه نخواهم بازیگر باشم، نه. من از اینکه فیلم بازی می‌کنم، خیلی هم خوشحالم و دوست دارم در آینده بازی هم بکنم؛ ولی نه به عنوان یک رشته خاص. من دوست دارم تحصیلاتم را در رشته پزشکی اطفال ادامه بدهم.

● **جایزه هم گرفته‌ای؟**

نه، ولی اگر روزی قرار باشد مهسا جایزه بهترین بازیگر را بگیرد حتماً آن جایزه را به

نشد. اما امسال تمام تلاشم را برای این کار می‌کنم.

● **تابستان‌ها را هم مشغولی؟**

من اغلب تابستان سر کار هستم. اگر اوقات فراغتی باشد فیلم می‌بینم و کتاب می‌خوانم؛ مخصوصاً رمان. نمایش‌نامه هم می‌نویسم. یک‌بار هم در مسابقات داستان نویسی رتبه آوردم. اگر وقت بیشتری هم داشته باشم، کلاس‌های مربوط به کارم را می‌روم.

● **آدم‌های بزرگ را چگونه دیدی؟**

من توی سینما با این آدم‌ها کار کرده‌ام و می‌دانم که آدم‌هایی که ما الان می‌بینیم معروف شده‌اند و آدم‌های بزرگی هستند، خیلی خیلی تلاش کرده‌اند. همیشه آدم‌های بزرگ مقصدهای بزرگ هم دارند؛ مقصدهایی که پایانی هم ندارند چون همیشه به جایی فکر می‌کنند که باید خیلی برای